

پرجمعیت‌ترین جای جهنم کجاست

«سَاهُون» عده‌ای از مسلمانان هستند که نماز را قبول دارند؛ ولی سهل‌انگاری می‌کنند، اینها از نمازشان غافلند و اهمتامی به امر نماز ندارند و از فوت شدنش باکی ندارند، چه اینکه به کلی فوت شود و چه اینکه بعضی از اوقات فوت شود.

«سَاهُون» عده‌ای از مسلمانان هستند که نماز را قبول دارند؛ ولی سهل‌انگاری می‌کنند، اینها از نمازشان غافلند و اهمتامی به امر نماز ندارند و از فوت شدنش باکی ندارند، چه اینکه به کلی فوت شود و چه اینکه بعضی از اوقات فوت شود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، خدا درباره‌اش فرموده است: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا»؛ ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم، در آیه دیگری چنین آمده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.

بر اساس آنچه که در قرآن کریم بیان شده است، هیچ گاه رفتار و سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) بدون اذن وحی نبوده، همان گونه که گفتار آن جناب این چنین بوده است و محاورات روزمره و عادی زندگی پیامبر(ص) هم از روی هوی و هوس نبوده است، در واقع محال بوده که بر دامن آن جناب در این وادی گرد گناه و خطا نشسته باشد.

بر همین اساس برخی با استناد به اطلاق آیه 3 و 4 سوره نجم «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست، معتقدند که تمام سخنان و رفتار و کردار پیامبر(ص) از وحی ناشی شده است. از این رو، هرگز احتمال کذب و خطا در آن نیست و باید مطیع آن باشیم و به آن عمل کنیم.

حالا این پیامبری که سخنانش این گونه وحی است و سخنانش از روی هوا و هوس نیست، در روایتی زیبا امت خود را با ملاک اهتمام به نماز به چهار گروه تقسیم کردند، در واقع پیامبر(ص) یک شاقول را به ما معرفی کرده که باید هر کسی آن را روی اعمال و رفتار خودش قرار دهد تا اعمالش را بر اساس دقیق کند، بیاییم خودمان را بسنجیم و ببینیم در کدام گروه قرار می‌گیریم؟

پیامبر(ص) در این باره امتش می‌فرمایند: «امت من چهار گروه هستند:

*ساهلان در نماز

پیامبر(ص): «صَنَفٌ يُصَلُّونَ، وَلَكِنَّهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، فَكَانَ لَهُمُ الْوَيْلُ، وَالْوَيْلُ اسْمٌ دَرَكَةٍ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ»؛ گروهی نماز می‌خوانند، ولی در نمازشان سهل انگارند. پس «ویل» برای آنهاست، و «ویل» نام یکی از طبقات زیرین جهنم است، خداوند می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند.

«سَاهُون» از ماده «سهو» در اصل به معنی خطایی که از روی غفلت سر زند، خواه در فراهم کردن مقدماتش مقصر باشد یا نه، البته در صورت اول معذور نیست، و در صورت دوم معذور است، ولی در اینجا منظور سهو توأم با تقصیر است.

باید توجه داشت که خداوند در آیه نمی‌فرماید «در نمازشان سهو می‌کنند» زیرا سهو در نماز به هر حال برای هر کسی واقع می‌شود، بلکه می‌فرماید «از اصل نماز سهو می‌کنند» و کل آن را به دست فراموشی می‌سپرند.

بنابراین «سَاهُون» عده‌ای از مسلمانان هستند که نماز را قبول دارند؛ ولی سهل‌انگاری می‌کنند، اینها از نمازشان غافلند و اهمتامی به امر نماز ندارند و از فوت شدنش باکی ندارند، چه اینکه به کلی فوت شود و چه اینکه بعضی از اوقات فوت شود و چه اینکه وقت فضیلتش از دست برود و چه اینکه ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانند و نمازی باطل بخوانند.

در آیه شریفه تکذیب‌گر روز جزا به چنین نمازگزارانی تطبیق شده، چون حرف «فاء» که بر سر جمله آمده می‌فهماند جمله مزبور نتیجه تکذیب روز جزا است «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالْءِیْنِ» و می‌رساند چنین نمازگزارانی خالی از نفاق نیستند، چون تکذیب روز جزا تنها به این نیست که به کلی آن را منکر شود، کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خواند، اما طوری می‌خواند که عملاً نشان می‌دهد باکی از روز جزا ندارد، او نیز روز جزا را تکذیب کرده.

«ویل» برای این دسته است. یعنی در طبقات زیرین جهنم جای می‌گیرند.

پیامبر(ص): «وَصَيْفٌ يُصَلُّونَ أَحْيَانًا، وَلَا يُصَلُّونَ أَحْيَانًا، فَكَانَ لَهُمُ الْعَذَابُ، وَالْغَىٰ إِسْمٌ ذَرَكْتُ مِنْ ذَرَكَاتِ جَهَنَّمَ»؛ گروهی گاهی نماز می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند، پس «غی» مال آنهاست، و «غی» نام یکی از طبقات پایین جهنم است. خداوند متعال فرمود: «فُخِّلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا»؛ سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع کرده و از شهوات پیروی کردند، و اینها به زودی در «غی» افکنده خواهند شد.

این آیه کریمه نشان می‌دهد که اولاً، ضایع کردن نماز با پیروی از شهوت‌ها رابطه مستقیمی دارد، همان طور که نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و مانع ارتکاب گناهان می‌شود، ضایع کردن نماز هم، سبب پیروی از شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی که سرچشمه فحشا و منکر است، می‌شود.

از پیامبر اسلام(ص) نقل است که در تفسیر آیه «فخلف من بعدهم» می‌فرمایند: «شصت سال بعد از من، افرادی روی کار می‌آیند که نماز را ضایع می‌کنند و در شهوت‌ها غوطه‌ور می‌شوند و به زودی نتیجه گمراهی خود را خواهند دید»، حال اگر مبدأ شصت سال را هجرت پیامبر در نظر بگیریم، این پیش بینی بر زمان بنی امیه و حکومت یزید، منطبق می‌شود.

ثانیاً، نقطه حساس حفظ سلامت نسل و تداوم پاکی در نسل‌های بعدی، پای بندی به ارتباط مستمر با خداوند است و ضایع کردن این رابطه، پاکی و طهارت را از سلسله فرزندان بشر می‌رباید، آنچه که باید در رابطه با این گروه مورد توجه قرار گیرد، معنای «ضایع کردن و انواع آن» است. باید دید که چگونه نماز ضایع می‌شود؟

ضایع کردن یک عمل، یعنی آن را به نحوی انجام دهی که نتیجه و اثر واقعی آن ظاهر نشود به طوری که بود و نبودش و انجام دادن و ندادنش، مساوی باشد، علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌گوید: «مقصود از اضعاء نماز تباه کردن نماز است، همراه با سستی در امر نماز و خوار شمردن آن و به بازی گرفتن و تغییر ایجاد کردن در آن و ترک نماز بعد از گرفتن و قبول آن».

می‌توان گفت: بد نماز خواندن و نماز را بدون آرامش و با سرعت به جا آوردن از مصادیق ضایع کردن نماز است، نقل شده که روزی پیامبر گرامی اسلام(ص) وارد مسجد شدند، شخصی را دیدند که با شتابزدگی نماز می‌خواند و با رکوع و سجود ناقص، آن را انجام می‌دهد، فرمودند: عمل این شخص مانند نوک زدن کلاغ بر زمین برای برچیدن دانه است. «لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي»؛ اگر این شخص با چنین نمازی بمیرد، قطعاً خارج از دین (اسلام) مرده است.

حجت‌الاسلام ابوترابی(ره) می‌گوید: بعضی‌ها در اردوگاه می‌گشتند تا ببینید رهبر فکری اسرای ایرانی چه کسی است؟ 150 نفر از اسرا را به عنوان رهبران فکری جدا کردند و به یک شهری بردند و شروع کردن به شکنجه کردن آنها تا اعتراف بگیرند. یک شب من را به همراه عده‌ای برای شلاق زدن بردند. آن شب دو نفر از اسرا را چنان زدند که چشمشان از حدقه درآمد و همان جا کور شدند! بقیه را هم در حدی می‌زدند که خون تمام زمین را گرفته بود. ما آن شب خیلی کتک خوردیم. هوا مهتابی بود. برای نماز بلند شدیم و در حالی که دستمان را به دیوار گرفته بودیم، نماز خواندیم. نماز را خواندیم و افتادیم. بعد متوجه شدیم که این مهتاب برای صبح نبوده است. آن شب هوا مهتابی بوده است. اما ما خیال کردیم که صبح شده است. دوباره صبح که شد، بلند شدیم و نماز خواندیم.

آری اسرا و شهدا آن شبی که کتک خوردند تا حدی که چشم برخی آنها از حدقه بیرون آمد، دوبار نماز صبح می‌خوانند. اما بعضی از افراد راحت از کنار نماز می‌گذرند؟ مغازه‌اش را نمی‌بندد برای اینکه یک مشتری یک کیلو نخود بخرد. واقعاً وقتی آدم نگاه می‌کند می‌بیند که بعضی‌ها از چه چیزهایی گذشتند، ولی بعضی‌ها از هیچ چیز نمی‌گذرند!

وقتی امامان ما صدای اذان را می‌شنیدند، رنگشان می‌پرید. سر نماز آنچنان محکم می‌ایستادند که جز باد، عبای اینها را تکان نمی‌داد. امامان ما این چنین حضور قلب داشتند. تازه وقتی نماز می‌خواند، می‌گوید: «إِلَهِي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ تَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سَجُودِهَا فَلَا تُؤَاخِذْنِي وَ تَقْضِلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَ الْعَقْرَانِ»؛ اگر در رکوع یا در سجود نماز من خلل و نقصی دیدی، خدایا به بزرگی خودت قبول کن، پس برای کسانی که نماز را ضایع کنند، یعنی نسبت به انجام آن سست باشند و نماز را خوار بشمارند و آن را به بازی بگیرند، جایگاهشان در یکی از طبقات پایین جهنم به نام «غی» است.

پیامبر(ص): «وَصَيْفٌ لَا يُصَلُّونَ أَبَدًا فَكَانَ لَهُمُ سَقَرٌ، وَ سَقَرٌ إِسْمٌ ذَرَكَاتِ جَهَنَّمَ»؛ گروهی که هیچ وقت نماز نمی‌خوانند، «سقر»

برای آنهاست، «سقر» هم نام یکی از طبقات زیرین جهنم است. (سقر سخت‌ترین و پر جمعیت‌ترین درکات دوزخ است) خداوند متعال فرمود: «ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛ اهل بهشت از اهل جهنم سؤال می‌کنند: چه چیزی شما را به «سقر» کشاند؟ در جواب می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

زهی روی سیاه بی‌نمازان/زهی حال تباه بی‌نمازان

عجب دارم اگر آتش نبارد/ز شومی گناه بی‌نمازان

ترک نماز، کوتاهی در مهم‌ترین دستور الهی و انجام ندادن بزرگ‌ترین وظیفه و برنامه زندگی است و این مساوی است با ناشکری، ناسپاسی و کفران نعمت‌های الهی و برداشتن عمود و ستون دین؛ زیرا نماز پایه و ستون اصلی دین است.

اما تارکان نماز را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول: ترک نماز از روی انکار: یعنی نماز را که یکی از ضروریات دین است، واجب ندانسته و خود را موظف و مکلف به انجام آن نمی‌داند، چنین شخصی کافر است.

دسته دوم: ترک نماز از روی سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی: این قبیل افراد با ترک نماز، مرتکب گناه کبیره شده و فاسق می‌گردند.

دسته سوم: ترک نماز در بعضی اوقات: این اشخاص در اثر ضعف ایمان بی‌توجهی به آخرت، گاهی نماز خوانده و گاهی ترک می‌کنند و یا اینکه نماز را در وقتش بجا نمی‌آورند، اینان هر چند مانند دو قسم دیگر نیستند، لکن از روایات این گونه استفاده می‌شود که از ضایع‌کنندگان نمازند، چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هیچ عملی به پیشگاه خداوند محبوب‌تر از نماز نیست، پس چیزی از امور دنیا، شما را از خواندن نماز اول وقت باز ندارد، زیرا خداوند تعالی مذمت نموده قومی را و فرموده: وای بر آن نمازگزارانی که از نمازشان غفلت کنند و در انجام آن در اول وقت مسامحه ورزند و عمداً تاخیر اندازند».

دسته چهارم: ترک واجبی از واجبات نماز: یعنی نماز می‌خواند، اما نه آن نمازی که از او خواسته‌اند، بلکه نمازی که در لباس یا مکان غصبی خوانده شده و یا قرائت و اذکار واجبی را غلط می‌خواند. از ظاهر روایات چنین احتمال می‌رود که این قبیل افراد نیز از ضایع‌کنندگان نماز به شمار می‌روند. رسول خدا (ص) فرمودند: «دزدترین دزدها کسی است که از نمازش بدزد، گفته شد: یا رسول الله، چگونه از نمازش می‌دزدد؟ فرمود: رکوع و سجود آن را تمام انجام نمی‌دهد».

اما در عواقب ترک نماز به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم:

دوری از امان خدا و رسول

رسول خدا (ص) فرمودند: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرَّيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ کسی که نماز را عمداً و بدون علت ترک کند از امان خدا و رسولش دور خواهد بود.

حبط اعمال

رسول خدا (ص) فرمودند: «مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَقْوَتُهُ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»؛ کسی که نمازش را بدون عذر ترک کند (نخواند) تا وقت آن بگذرد، عمل او نابود شده است.

ویرانی دین

پیامب (ص) در حدیث دیگری فرمودند: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَ»؛ نماز ستون دین است، هر کس از روی عمد نماز خود را ترک کند، دینش را ویران کرده است.

*خاشعان در نماز

پیامبر (ص): «وَ صِنْفٌ يُصَلُّونَ أَبَدًا وَ هُمْ صَلَوَتُهُمْ خَاشِعُونَ»؛ گروهی همیشه نماز می‌خوانند و در نمازشان خشوع دارند. خداوند متعال فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ مؤمنان رستگار شدند، آن‌هایی که در نمازشان خشوع دارند.

«افلاح» از ماده «فلح و فلاح» در اصل به معنی شکافتن و بریدن است، سپس به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و خوشبختی اطلاق شده است، البته فلاح و رستگاری معنی وسیعی دارد که هم پیروزی‌های مادی را شامل می‌شود، و هم معنوی را، و در مورد مؤمنان هر دو بعد منظور است.

پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند، و این امور جز در سایه ایمان امکان پذیر نیست، و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر برد.

در اذان این چنین دیگران را به نماز دعوت می‌کنیم «حی علی الفلاح» این جمله به صورت اجمالی یکی از اسرار نماز را بیان می‌کند که رستگاری در نماز است و بشتابید برای رستگار شدن.

آیت‌الله بهجت می‌فرماید: «هر قدر که امور نماز منظم باشد امور زندگی هم تنظیم خواهد شد! مگر نمی‌دانی که رستگاری و سعادت با نماز قرین گشته است؟! «حی علی الصلاة حی علی الفلاح».

نماز در جبهه‌ها هم سبب رستگاری رزمندگان شد و هم سبب سربلندی و پیروزی کشور ایران، حسین احمد آبادی یکی از آزادگان سرافراز جنگ تحمیلی نقل کند: یکی از برادرانی که در آسایشگاه با ما به سر می‌برد، خیلی به نماز اهمیت می‌داد و هیچ وقت نماز اول وقت را ترک نمی‌کرد. او تنگی نفس داشت و بسیاری اوقات نفشش می‌گرفت، به قلبش فشار می‌آمد. بعد از این حالت به زمین می افتاد.

بارها اتفاق افتاده بود که او هنگام خواندن نماز آن قدر سرفه می کرد که نقش بر زمین می‌شد، مدتی نگذشت که حالش وخیم شد و متوجه شدیم که او مبتلا به سرطان ریه شده است. دائم خون بالا می آورد. دیگر نمی‌توانست راه برود. وقتی می‌خواست وضو بگیرد دو نفری زیر بازوانش را می‌گرفتیم.

یک روز موقع نماز مغرب می خواست از جایش بلند شود. هر چه تلاش کرد میسر نشد. یکی از بچه‌ها که شاهد این صحنه بود، با حالتی دلسوزانه و از روی شفقت گفت: امیر جان با این وضع، مگر مجبوری نماز بخوانی؟ او با عصبانیت پاسخش را داد و گفت: به خدا قسم اگر بمیرم، باز هم جنازه‌ام نماز می‌خواند.

امیدواریم خداوند متعال همه ما را از گروه چهارم قرار دهد و ما را مشمول دعای حضرت ابراهیم(ع) که در قرآن آمده قرار دهد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ»؛ خدایا! مرا و نسل و فرزندان مرا اقامه گر نماز قرار بده. خدایا، دعايم را بپذير.

نویسنده: حجت‌الاسلام حسن هرمز(کارشناس مرکز تخصصی نماز)